

پلخمون

قیمت: قبلا حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا | شماره ۹۵
شماره روزنامه ۱۳۸۸ / ۴۱ شنبه / ۳۰ دی ۱۴۰۲

محسن رضایی:

اضافه شدن گوشت ماهی به سفره‌ها

قیمت گوشت قرمز را کنترل می‌کند



کارتون: محمد علی رجایی

کلیک / صفحه ۸

چطور ارزان‌تر
خوب شویم؟

گیر کج / صفحه ۴

رونمایی از پدیده چیزهای
اجاره‌ای در ساختمان‌سازی

پیشه ایچور بره / صفحه ۲

ماجرای ما
و یارانه!

یک روز معمولی یمنی ها

مثلاً گه یه زمانی می شنیدیم که یمنی ها تونستن به آمریکا یارژیم اشغالگر احم کنن. از خوش حالی جامه دریدند و سر به بیابان ها گذاشتند و خلاصه باور نمی کردیم که کسی همچین کاری کرده باشه. گذشت و معادلات و صفحه روزگار و دیگه چه می دونم این طور چیزا طور ی رقم خورد که رسیدیم به جایی که یمن زد و یه کشتی توقیف کرد. این دیگه نه ته خفن بودن بود. ته قدرت بود. ته به رخ کشیدن اینکه خب حالات توقیف کردم. می خوام چه غلطی بکنی؟

بعدش دیگه برامون عادی شد. روز بعدش که یمن باز هم یه کشتی گرفت. دیگه مثل دیروزش جامه ندریدیم. یعنی دریدیم ها. ولی نه اون جور که روز قبل. باز خوابیدیم. روز بعد بیدار شدیم. دیدیم ای بابا این یمنی ها کمین کردن و خفت کردن کشتیا شده جزو تفریحات روزانه شون. تا جایی که اگه یه روز کشتی نگیرن. صبحشون شب نمی شه و نمی تونن سرشون رو بذارن زمین بخوابن. اصلاً مردخونه صبح که بیدار می شه به زنش می گه خانوم. من امروز برم یه کشتی توقیف کنم. زود برمی گردم. و این طور شد که یمن روزانه یکی از کشتیای رژیم صهیونیستی رو توقیف می کنه و کسی نمی تونه چیزی بهش بگه.

خب این خبر اون قدری بزرگ هست که بشه باهاش چند روز خوش حال بود. ولی دیگه برای ماعادی شد. حالا اگه روزی از خواب بیدار بشیم و بفهمیم یمن کشتی نگرفته. غصه مون می شه و دیگه روزمون شب نمی شه و اون روز رو حساب نمی کنیم و احساس می کنیم کم کاری کردن و منتظریم برادران یمنی یه چیزی شکار کنن. چند شب پیش که خبرش اومد حمله پهپادی به یه کشتی آمریکایی در دریای سرخ صورت گرفته. دیگه نه جامه دریدیم. نه هیچی. یعنی دیگه این چیزا برامون خیلی عادی شده. خبرای یمن هم دیگه حال نمی ده. اگه همین طوری پیش بریم. تا دو سال بعد از نظر روانی اشباع می شیم و به یوچی فلسفی می رسیم. خدا کیلی به شیش ماه قبل فکر کنین. توی کرانه باختری یکی باکارد میوه خوری یه صابون رو می زد. همه خبرا می رفت اون سمتی. الان یمن می زنه کشتی آمریکایی می ترکونه. بعدش هم گردن می گیره. ولی انگار هیچی به هیچی. می بینی؟ به جایی رسیدیم که اگه دو سال بعد تل آویو رو با موشک شخم زدن. اونقدرها تعجب نمی کنیم.



صفحه ۲
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

مشه ای جور بره؟!

خسرو آبادیان

ماجراهای ما و یارانه!

۶ دی ۱۴۰۲: رئیس سازمان برنامه و بودجه: دولت اراده ای برای کاهش تعداد یارانه بگیران ندارد. (انتخاب)

۲۳ دی ۱۴۰۲: سخنگوی سازمان هدفمندی یارانه ها: اگر یارانه سرپرست خانواری واریز نشده. به علت آن است که تعدادی از یارانه بگیران از فهرست یارانه حذف شده اند. (شهرآرانیوز)

۶ بهمن ۱۴۰۲: مسئولان: میزان یارانه هیچ خانواری کم نخواهد شد.

۲۳ بهمن ۱۴۰۲: مسئولان: همان طور که گفتیم. یارانه هیچ خانواری کم نشده است. فقط یک تغییر کوچک داشتیم که به جای اینکه هر ماه یارانه واریز شود. هر دو ماه یک بار واریز خواهد شد.

۷ اسفند ۱۴۰۲: مسئولان: یارانه هیچ خانواری حذف نمی شود و فقط دهک دهم خط می خورد.

۲۳ اسفند ۱۴۰۲: مسئولان: باتوجه به دهک بندی جدید همه خانوارهای کشور جزو دهک دهم حساب می شوند و چون دهک های یک تا نه دیگر وجود ندارند. دیگر یارانه واریز نخواهد شد.

۷ فروردین ۱۴۰۳: مسئولان: اینکه می گویند از این به بعد مردم باید به دولت یارانه دهند. صحت ندهد. چون اصلاً معنی یارانه این بوده که دولت به مردم پرداخت کند. نه مردم به دولت!

۲۳ فروردین ۱۴۰۳: مسئولان: مردم تا ساعت ۲۴ امشب فرصت دارند به ازای هر کدام از اعضای خانواده شان ۴۰۰ هزار تومان به حساب سازمان هدفمندی یارانه واریز کنند.

به زودی حلقهون را میگ میگ صدامی زنی!

۷ شهریور ۱۴۰۱: وزیر ارتباطات: به زودی سرعت اینترنت در منازل چند صد برابر خواهد شد. (خبرگزاری مهر)

۲ دی ۱۴۰۲: در حالی که مردم از سرعت کم و اختلالات اینترنتی خسته شده اند. وزیر ارتباطات گفت: با گسترش فیبر نوری. سرعت اینترنت صد برابر می شود. (اقتصاد آنلاین)

۳ دی ۱۴۰۳: وزیر ارتباطات: همان طور که الان از کشورهای حوزه خلیج فارس برای گردشگری سلامت به ایران می آیند. به زودی ما گردشگری اینترنت نیز خواهیم داشت و اینترنت آن قدر سرعتش زیاد می شود که از کره جنوبی و ژاپن به ایران خواهند آمد تا اینترنت پرسرعت ما را تجربه کنند و لذت ببرند.

۴ دی ۱۴۰۴: وزیر ارتباطات: به زودی سرعت اینترنت آن قدر زیاد می شود که افراد باید از مودم های خودشان دوری کنند. چون هر لحظه به علت سرعت آن ممکن است مودم بترکد و اینترنت های داخل آن با فشار زیاد روی سرو صورت مشتریان بریزد و لباس هایشان اینترنتی شود. لذا مردم سعی کنند از مودم های فشارسنجین استفاده کنند.

۵ دی ۱۴۰۵: وزیر ارتباطات گفت: به زودی سرعت اینترنت زیاد می شود و اگر بخواهید همه قسمت های یک سریال را دانلود کنید اما بلافاصله پس از کلیک منصرف شدید. دیگر فایده ندارد. چون به محض کلیک. در همان یک صدم ثانیه اول. همه قسمت های سریال دانلود شده است. لذا سعی کنید اول قشنگ تصمیم بگیرید. بعد دکمه دانلود را بزنید که الکی حجمتان مصرف نشود. وی همچنین افزود: خلاصه به زودی مثل الان به اینترنت نمی گویند حلقهون. بلکه آن را میگ میگ صدا می زنید.

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

در حاشیه حضور هیئت دولت در جمع خبرنگاران



در حاشیه جلسه هیئت دولت



استقبال امیر عبداللهمیان از همتای هندی اش در تهران



رونمایی از تاکسی های برقی با حضور وزیر صمت و شهردار تهران



کاذبازی و آب بازی در ادارات دولتی!

شهرآرا: ۱۱ دستگاه دولتی استان در فهرست پرمصرف های آب کاذبازی، نکنه توی ادارات دولتی به جز آب بازی هم می کنن!

شهرآرا: گرانی گوشت قرمز موقتی است. مغزها: یک میلیون دلار، زیان مهاجرت هر نخبه

فارس: بلیت هواپیماگران نشده است. فقط مسافرا برای تهیه بلیت باید پول بیشتری پرداخت کنن!



شهرآرا: بیرون کشیدن دسته قاشق از شکم مرد شیشه ای. مرد شیشه ای: درست بادم نیست که گفتن غذات رو با قاشق بخور یا قاشق رو با غذا بخور؟!

ایرنا: دیدار وزیر امور خارجه هند با دبیر شورای عالی امنیت ملی مقامات ایرانی: اول هزینه کپی رایت آهنگ «جمال جمالو» رو بدین تا بعد بریم سراغ مذاکرات!

آرمان ملی: هزینه های اقتصادی فرار مغزها: یک میلیون دلار، زیان مهاجرت هر نخبه

مغزها: سازمان هدفمندی: عوضی کشور هم سیصد چهارصد هزار تومن سود می کنه. چون دیگه یارانه نمی ده.

ایسنا: مصرف نمک خانوارهای ایرانی سه برابر میانگین جهانی است. ایرانی ها: آخه تنه ایزی که گرون نیست و می تونه زندگی مون رو پرشور کنه. همین نمکه!



ابرار: کد ملی و تاریخ تولد: شرط لازم رسیدن شیر خشک به شیرخوار باید هم سخت بگیرن دیگه. شیر خشک مثل ارز دولتی نیست که بشه بدون مدرک به هر کسی چند میلیارد دلار داد!

اسکناس: تلاش خودروسازان برای تشنه نگه داشتن بازار

مغزها: خودروسازان: خب اگه بازار رو تشنه نگه نداریم، خودمون گشنه می مونیم!

اعتماد: واقعیت های آب را به مردم بگویند. مردم: خب اگه قراره قبض آب و فاضلاب هم گرون بشه، مقدمه چینی لازم نیست. زود بگو طاقتش رو داریم!

ایران: تأمین ۶۰ درصد زمین نهضت ملی مسکن مسئولان: و به حساب و کتاب ساده نشون می ده فقط موند ۹۰ درصدش که اون هم به زودی تأمین می شه.

شهروند: مردم هشدارهای هواشناسی را جدی بگیرند. مردم: می خوایم جدی بگیریم، ولی خودتون با پیش بینی معکوس سر شوخی رو باز می کنین.

جمهوری اسلامی: افزایش سرسام آوری قیمت گوشت و اعلام عده های عجیب و غریب به خریداران خریداران: زیاد هم عجیب و غریب نبود. مشابه همین اعداد روتوی خبرای اختلاس قبلادیده بودیم.



شهر و ند: وزیر مسکن: تحول مسکن های مهر تا سال آینده وی همچنین گفت: از اونجاکه حرف مرد بکیه، سال آینده هم دقیقا همین جمله را خواهم گفت.

صفحه ۲
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

اعلام توقف تولید پژو پارس از نیمه اسفند درحالی که تا تابستان سال آینده پیش فروش شده است.

نمایندگی خودرو

آقای سلام، الان پیامک اومده که پژو پارس شما فاقد استاندارد ۸۵ گانه است و تولید نمی شه. من الان چی کار کنم؟ دو ساله توی نویتم.

نگران نباشین. ماشین جدید تولید کردیم. هلو. فقط ۲۰۰ میلیون گرون تره.

بعد دو سال نوبت باید ۲۰۰ میلیون گرون تر خریدیم؟ حالا اون ماشین چیه؟

اسمش پژو فارسه.

می شه عکسش رو ببینم؟

خب الان این پژو فارسی با پژو پارس چه فرقی می کنه؟

عه! نمی بینی جناب؟ دی لایت داره و رنگ چراغاش هم عوض شده.

بعد استاندارد ۸۵ گانه کجای اینه؟

اووووه. تایخواد بره دوباره مراحل تأیید استاندارد رو بگیره و بهش اخطار بدن و دیگه بخوان واقعا جلوش رو بگیرن، چند صد هزار تا تولید کردیم و فروختیم. نگران نباش!

و روپوشاک استوک، کیلویی پنج دلار

شده غول گرانی خوب پروار نمی شه رفت اصلا سمت بازار پریشب من خریدم با حقوقم دو مثقال زیرپوش، یک سیر شلوار!

توقع حل مشکلات از دولت مانند انتظاری از یک فردمعمولی برای بالا بردن وزن ۵۰۰ کیلویی است

با این حجم فشار رو به افزون بمیرم من برای مسئولانمون بکن رحمی به حال دیسک دولت نمی گی می زنه یک دفعه بیرون؟!

تارا، خودرو لوکس ایرانی، تاکسی روس ها شد

برای ما که نیستیم دیگه دارا مته پور شه است تیا یا که تارا ولی این ها که دیگه لوکس نیستن دو متر اون سوی مرز آستارا

افزایش ۴۶ درصدی تعرفه های پزشکی در سال آینده؛ هزینه حمل جنازه نجومی شد

حسابی توی این دنیا اسیری به جوری این وسط انگار گیری نه می شه زنده موند با نرخ ویزیت نه حتی جرئت اینکه بمیری

رونمایی از پدیده چیزهای اجاره‌ای در ساختمان سازی

با خودم فکر می‌کردم توی دنیایی که وسط زمستون، صبح بایک لایبرهن از خونه می‌آیم بیرون و هم زمان عنوان بدترین اینترنت رو به دست می‌آیم و گوشت هم شده ۷۰۰ هزار تومن، دیگه چیزی نیست که بتونه متعجبم کنه، تا اینکه مصاحبه سرپرست آتیش نشانی مشهرو خوندم. ایشون از پدیده‌ای رونمایی کرده با عنوان «تجهیزات اجاره‌ای». یعنی بعضی مالکان ساختمان های در حال ساخت، به جای خرید تجهیزات ایمنی اطفاء اعلام حریق و نصبشون توی ساختمان، اونارو اجاره می‌کنن و بعد از اینکه پایان کار و تأیید ایمنی از سازمان آتیش نشانی رو گرفتن، اون وسایل رو از ساختمان باز می‌کنن و می‌برن سر یه ساختمان نو ساز دیگه.

باید به این خلایق تبریک گفت. هی با خودم می‌گفتم چرا خونه ما کپسول آتیش نشانی و آژیر اعلام حریق نداره، نگو مهندس قل قل آبادی که خونه ما رو ساخته، اونارو برده سر یه ساختمان دیگه و همین طور داره بایه کپسول دور می‌زنه و با مدرک دیپلمش همه جا خودش رو مهندس معرفی می‌کنه و کل شهر رو آباد می‌کنه. بعید نیست پس فردا دوستان عزیز بساز فروش (ویراستار محترم! لطفا این کلمه رو تصحیح نکن. باور کن این عزیزان حتی تلفظ درست اسم شغل خودشون رو هم بلد نیستن، ولی درآمد یه ساعتشون اندازه حقوق همه عمر من و شماست!) تکنیک هایی به خرج بدن که برگي به درختان بوستان و پشمی به گریه های خیابان و آجری به ساختمانها نمونه.

مثلا پدیده «کولر گریه‌ای»: که وقتی خونه رو تحویل دادن، بیان کولر رو از روی پشت بوم بردارن و بگن ببخشین صاحبشون اومده دنبالشون، یک کم خنک بشه، زمستون برمی‌گردونیم. یا «در اجاره‌ای»: که وقتی خونه فروخته شد، بیان بگن ببخشین دراش مال شما نیست، باید ببریم یه جای دیگه درش رو بذاریم. حالا صاحب خونه همون طور چیز توی توالی ماتش برده که در مستراح کو؟ یا «سقف عاریه»: که وقتی پایان کار رو گرفتن، بیان سقف ها رو بکنن و ببرن روی سر چهار نفر دیگه که سرپناه ندارن، بذارن. یا حتی «اسکلت امانی»: که وقتی کلید خونه رو دادن به صاحبش، بیان اسکلتا رواز پی دربیارن و آجرش رو بتکونن و بندازن پشت وانت ببرن یه پروژه جدید رو باهاشون شروع کنن. یا حتی «مسئول اجاره‌ای»: که بیاد جلو دوربین کلیدای خونه رو بده به یه خانواده و بعد که خبرنگار افیلم و عکس گرفتن، کلیدارو پس بگیره و بگه ببخشین، با این خونه باید چند تا رای دیگه هم جمع کنم. جمع کنین برین!



کا زنون، عمید صالحی

صفحه ۴
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

صدای قیق

امکان نداره جمله دستوری «من کارتاتان ره بزنی» رو نشنیده باشین. مخصوصا وقتی بیهو بیست نفر می‌ریزن توی اتوبوس یا بی‌آرتی و هیچ صدای قیقی از دستگاه بلند نمی‌شه. اینجاست که دیگه راننده شروع به حرکت نمی‌کنه و از همون جلو توی آینه رصد می‌کنه که کی من کارتش رو زده و کی مویرگی دررفته. خب اون طفلک هم که نمی‌تونه همه رو حفظ

کنه. مجبوره یکی یکی از همون جلو صداتون بزنه که خانم فلانی، من کارتت رو بزنی. آقای بهمانی، تو هم نزدی، بزنی. یه ضرب المثل آلمانی هست که می‌گه قبل از اینکه صدات بزنی، خودت کارت رو انجام بده. شما هم قبل از اینکه از طریق راننده پیچ بشی، سعی کن خودت باروی خوش من کارتت رو طوری بزنی که صدای قیقش تا جلو جای

راننده بره و بشنوه، وگرنه با ذکر جزئیات از همون جلومشخصت می‌کنه، بعد دیگه همه با انگشت نشون می‌دن بعد آبروت می‌ره دیگه. مورد داشتیم راننده دیده حتی پیچ کردن هم جواب نمی‌ده، هر ایستگاه خودش پیاده می‌شده می‌اومده جلو در و امیستاده، می‌گفته در صورتی که من کارت بزنی، می‌تونی بری تو، یا همین الان پولت رو حساب کن.

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری

فرصت ها و تهديد هاى كشت فراسرزميني



کارتون محمد علی رحیمی

باتوجه به خشک سالی اخیر و نیاز مبرم هم وطنان به محصولات کشاورزی، مسئولان به فکر افتاده اند تا تولید میوه و سبزی و صیفی جات را با کشت فراسرزمینی رونق دهند. برای کسب اطلاعات بیشتر با آقای چغندر پرور، یکی از فعالان حوزه کشاورزی، گفت و گو کردیم.

● آقای مهندس، لطفا درباره اصطلاح کشت فراسرزمینی توضیح بدین.

این نوع کشت یعنی چیزی بکاریم، ولی فراتر از سرزمینمون، شاید درکش براتون سخت باشه، ولی با یک مثال براتون روشن می کنم. ببینین، ما آب نداریم، پس بذرونهال می دیم به کشاورایی که آب دارن تا برامون کشت وکار کنن، بعد محصولش رو برگردونن بهمون.

● به جز حل معضل کمبود آب، این نوع کشت چه فواید دیگه ای داره؟

اولا که نیروی کار ارزون دارن، مثلا با هزینه کارگری که اینجا یک تن گندم می کاریم، با کشت فراسرزمینی (آقای چغندر پرور چند ثانیه ای به برگه ای که در دستش بود خیره شد و سعی می کرد عدد آن را بخواند، سرانجام وی افزود:) با کشت فراسرزمینی به عالمه بیشتر می کاریم! تازه خاک مرغوب هم هست و آب هم که فراوون. مثلا درسته کشور دوست و برادر افغانستان حقایبه هیرمند رو بهمون نداد، ولی این جوری می تونیم با همون سهم آب خودمون محصولات رو پرورش بدیم تا شلغمامون بوی وطن بدن. از طرف دیگه، ممکنه دوستان در سازمان بارورسازی ابرها، یه ایکس وایرگ خطای محاسباتی داشته باشن و به جای ابرای خودمون، ابرای کشاورای دوست و همسایه رو بارورکنن که با این روش کشت، باز هم ابرای محصولات خودمون خواهند بارید.

● می شه بفرمایین با این روش چه محصولاتی کاشته می شن؟

● گندم، چغندر قند، پنبه، دانه های روغنی و چیزای دیگه. مخصوصا اگه با کشور دوست و همسایه افغانستان همکاری داشته باشیم، می تونیم از محصولات بومی اونجا هم

استفاده کنیم. مثل خشخاش برای نونای خشخاشی که خیلی طرف دار داره و می شه روش سرمایه گذاری کرد و از محصولات جانبی ش هم استفاده کرد!

● آیا برای این طرح مشکلاتی هم پیش بینی شده؟

● مشکلات که همیشه هست، ولی مهم اینه که خوشبختانه کشورمون مسئولی مثل ما داره که به راحتی مشکلات رو حل می کنیم. مثلا ممکنه کشاورایی که اونجا کشت می کنیم، محصولاتمون رو پس ندن که خب ما هم سفیرا و کارداراشون رو احضار می کنیم و می گیم «خیلی بدین، یالا چیزامون رو بدین». یا جنس نامرغوب بدن که خب می تونیم به عنوان محصولات تنظیم بازار یا سبد خانوار، با قیمت مناسب در اختیار هم وطنای عزیز قرار بدیم. یا اصلا اون کشور رو نتونیم روی نقشه پیدا کنیم تا محصولاتمون رو ازش بگیریم که خب می گیم مال خودش، گناه داره، مستحقه!

سوالات تستی

فرانت اشتاین

۱. مهم ترین دلیل انتقال کشت محصولات به افغانستان چیست؟

- منابع سرشار آبی افغانستان
- منابع سرشار خشکی ایران
- استفاده نامحسوس از آب بلوکه شده
- کیفیت محصولات خاص افغانستان

۲. گزینه مناسب برای ارسال به دیگر کشورها برای کشت و پرورش کدام است؟

- گندم
- دانه های روغنی
- چغندر
- برخی مسئولان

۳. معایب کشت فراسرزمینی در افغانستان چیست؟

- امکان پس ندادن محصول
- امکان توهم با مصرف محصول
- ایجاد استرس در دلان گران قدر
- تمام موارد

صفحه ۵
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵



که می خوان پیاده بشن، پیاده بشن، بعد اونایی که می خوان سوار بشن، سوار بشن. یه سریا از ترس نرسیدن به صندلی خالی، درکه باز می شه، طوری هل می دن که اونایی که می خواستن پیاده بشن هم دوباره به داخل هدایت می شن و دیگه عمر ابتون پیاده بشن. حالا اصلا من کارت هم نزدی، نزدی، ولی هل نده. رعایت کنین دیگه، زشته.

خب همین رو می خواین؟ حتما باید باهاتون این طوری رفتار کنن؟ حتما باید زور بالاسرتون باشه؟ یه سریا هم می رن سوار می شن، می گن بذار پیدا کنیم، می زنیم. من کارتا باید قبل از اومدن اتوبوس توی دست حاضر باشه. حالا جدا از زدن من کارت، دیگه خواهشا این رو یاد بگیرین: مترو و اتوبوس و بی آر تی و هرچی که اومد، اول باید صبر کنین اونایی

به لحظه فکر کردم قیمت اینترنت، ثابت هم نگران شدم

صفحه ۶

وزیر راه: تقریباً هفته‌ای نیست که برای تأمین هواپیما بایک کشور خارجی در حال مذاکره نباشیم. ولی هیچ کدومون به سلیقه من نمی‌فوره، بانمی بیم به سوردیده! صفحه ۶	شهر آرا: ۴۰ درصد ازدواج‌ها در خراسان رضوی به طلاق ختم می‌شود و ۶۰ درصد بقیه به خرید بریان برای عروس صفحه ۶	حق کمیسیون املاک مشهود بیشتر از نرخ مصوب باشد به زودی اعلام می‌شود صفحه ۶
کیهان: اکثریت جامعه اقبالی به اصلاح طلبان ندارند وقتی قیمت هارای بیند، موهایشان می‌ریزد و دیل‌نیزی صفحه ۶	تعداد مسئولان با مصرف نمک خانوارهای ایرانی سه برابر میانگین جهانی است صفحه ۶	اعتماد: خط‌راه‌ها شدن ۲۰۰ هزار معتاد در فضا و برنشتن آن‌ها به لرزه زمین! صفحه ۶

پان پانک
محمد جواد قائمی خواه

افزودن...

افزودن ماهی به سفره‌ها قیمت گوشت قرمز را کاهش می‌دهد
افزودن قیمت بلیت سینما روحیه رئیس صداوسیما را افزایش می‌دهد
افزودن نرخ ایرلاین‌ها ساعات تأخیر پرواز را تا چندین ثانیه کاهش می‌دهد
افزودن حذفی‌های یارانه امکان افزایش دوهزار تومنی یارانه را افزایش می‌دهد
افزودن یک دوربین امنیتی دسته دوم امکان سرقت میراث فرهنگی را کاهش می‌دهد
افزودن قانون برگشت خوانندگان آن طرف آب طراوت زندان‌ها را افزایش می‌دهد
افزودن سن بازنشستگی دلتنگی میان دولت و کارمندان را کاهش می‌دهد
افزودن ابرهای بارور در کشور امکان پرشدن دریاچه‌های آفریقا را افزایش می‌دهد
افزودن قیمت لوازم آرایشی امکان مشاهده چهره واقعی افراد را افزایش می‌دهد
افزودن هزینه حمل جنازه و کفن و دفن امید به زندگی در کشور را افزایش می‌دهد

یرگه
آرش آریایی

در حاشیه تصویب افزایش سن بازنشستگی در شورای نگهبان

	خب این افزایش سن بازنشستگی رفته داخل جلسه شورای نگهبان و قطعاً اجرایی نمی‌شه.
	اوه! خبر اومد شورای نگهبان افزایش سن بازنشستگی رو تصویب کرد.
	از فردا باید برگردم سرکار.

صفحه ۶
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

داداشا شکر میون کلامتون، بی‌زحمت به آمار بدین شاباش رو کجا می‌پاشن ما خیمه کنیم. آخر ماه چک دارم، روش حساب کردم که به یه زخمی بزنم. دمتون گرم.



زاغک

برادر عاقد، نوبت ما نشد؟ قربون دستت تو که تا اینجا اومدی، به دستی هم به ما و نامزد برسون. سرویس‌مون کردن این قدر گفتن چراچه نمی‌بارین. این هواپیماها هم به جای اینکه چیزمیزپاشن روی ما و بارورمون کنن، هر کدوم یه بئر دستشون گرفتن «با من ازدواج می‌کنی؟ با من ازدواج می‌کنی؟» هی این دور و بر و زوز می‌کنن.



نیمه‌ابری

۳۵ میلیون هزینه ازدواج و خواستگاری لاکچری در بالن؛ نکته جالب این است که عاقد باید با پی‌سیم خطبه عقد را بخواند. برای خواستگاری هم یک هواپیمای فوق‌سبک بنری با پیام «با من ازدواج می‌کنی؟» را به اهتزاز درمی‌آورد. (جراید)

عاقد، عاقد، عروس؟ عروس به گوشم. آیا وکیلیم؟ (صدای خواهرشوهر از روی زمین): عروس رفته ۳۵ میلیون پول بی‌زبون خان داداشم رو تبدیل به پهن گاوکنه، برگرده. عاقد، ای رعدوبرق بزنه به کمربت با اون فانتزیات، «بله» رو بگو دیگه، الان خط رو خط می‌شه، اشتباهی یکی دیگه رو النکاح سنتی می‌کنم ها.



عاقد از توی پی‌سیم



صفحه ۷
۳۰ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۵

زندگی یخچالی (قسمت اول)

را انعام نداده از خانه اش بیرون کرد. آمد سمت یخچال و شروع کرد به بازکردن کارتن. از ترس پلک هایم راروی هم فشار می دادم. نمی دانم صدای ضربان قلبم را می شنید یا نه. چون چند دقیقه پیش متوجه شده بودم زیاد میانه خوبی با کارگرها ندارد. به ویژه آن هایی که دزدکی وارد خانه اش بشوند! کارتن باز شد. دستش را انداخت که در یخچال را باز کند. عرق روی پیشانی ام به نظر یخ زده بود. با وجود آنکه چشمانم بسته بود، مطمئن بودم در یخچال را باز کرده است. ولی چرا هیچ واکنشی نشان نمی داد؟! نکند شوکه شده و سکنه کرده؟! از صدای خش خش متوجه شدم دارد برخی چیزمیزها را داخل یخچال می گذارد. چشمانم را باز کردم. دیدم عینکی ته استکانی به چشم دارد و کورمال کورمال دارد اقلام داخل یخچال قدیمی اش را به یخچال جدید منتقل می کند. من همان طور فرورفته در یخچال، اقلام را از او می گرفتم و داخل یخچال می چیدم! و منتظر فرصتی برای فرار بودم که در را بست و قفل کودک را هم فعال کرد! (ادامه دارد...)



من شاید اولین شهروند شهری باشم که شهر نیست، ولی هست! شهرهای قدیم کنار آب شکل می گرفت و شهرهای جدید که دیدند باید فکر نان باشند که خربزه آب است. به فکر نان در آوردن افتادند و کنار پول و سرمایه تشکیل شدند؛ شهر فرش و شهر لوازم خانگی و شهرهایی از این دست. من هم کارگر یکی از همین شهرها شدم و چون جایی برای خواب نداشتم، شب ها قاچاقی همان جا می خوابیدم. شب ها همه شهرمال من بود. مهمانان فرضی دعوت می کردم تا روی بهترین فرش ها و میل ها بنشینند تا از یخچال سایدبای ساید برایشان «جویس» دلخواهشان را بیاورم و روی منقل برقی کباب فرضی برایشان بپزم!

از بد حادثه یک شب وسط بزم ما با مهمانان، مدیر شهری که کارگر روزانه و صاحب شبانه آن بود، ناخوانده وارد مهمانی شد. من هم از ترس آنکه مرا نبیند، رفتم داخل یک یخچال بزرگ پنهان شدم. داشت با تلفن صحبت می کرد و می گفت که ما این ساعت تحویل کالا نداریم، ولی به دلیل ارادتی که به شما دارم، خودم آمدم تا یخچال را برای شما بفرستم. و سپس کارتن یخچال را گذاشت روی یخچالی که من داخل آن بودم و شروع کرد به بسته بندی آن. کارگر وانتی آمد و یخچال را سوار وانت کرد و برد به خانه یک پیرمرد که به نظر آدم مهمی می آمد.

پیرمرد با غرغر زیاد کارگرها

ایجو، مگفتن
فاطمه بوجار

عباس علی آبادی، وزیر صمت:

مشکلی درباره واردات خودروهای دست دوم به کشور نداریم و این مهم به زودی اجرا می شود.
(خبرگزاری مهر)

محمد علی نیکبخت، وزیر جهاد کشاورزی:

مشکلی درباره کاهش قیمت گوشت نداریم. در حال مذاکره با گوسفندان هستیم.

مهرداد بذریاش، وزیر راه و شهرسازی:

مشکلی درباره بیدار کردن بازار مسکن از خواب رکود نداریم و به زودی بیدارش می کنیم. ساعت کوک کرده ایم.

محسن رضایی:

مشکلی درباره اضافه شدن ماهی به سفره مردم نداریم. فقط مردم باید ماهی گیری یاد بگیرند.

بایدن، رئیس جمهور آمریکا:

مشکلی درباره امنیت کشتی هایمان در دریای سرخ نداریم. این مهم اگر یمن سر تنگه خفتمان نکند، در حال اجراست.

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ:

مشکلی درباره بازگشت معین به کشور نداریم. عزیز من چشم انتظارم نذار.

محمدرضا شریفی نیا:

مشکلی درباره امنیت کشتی هایمان در دریای سرخ نداریم. این مهم اگر یمن سر تنگه خفتمان نکند، در حال اجراست.

۶۰ هزار خانواده از دریافت یارانه حذف و ۶۰ هزار خانوار جدید اضافه شدند.

یارانه

ای دلبر دردانه، ای حضرت یارانه
ای جان به فدای تو، واریزی ماهانه
ای پیک خوش شادی، ای مایه آبادی
هر جا که نباشی تو، آنجاست چو ویرانه
در غیبت تو جان، تاریک بود هر جا
آن لحظه که بازایی، روشن شود این خانه
تنها نه من خسته، هستم به تو دل بسته
صدها چو منی داری، در ساری و در بانه
یک عده که می خواهند، از من تو جدا باشی
خواهند کنند حذف، از داخل سامانه
خواهند شوم ناگه، محروم ز الطاف
خواهند کنم سگته، گردم خل و دیوانه
ای دولت خوب ما، ای مهر تو پابرجا
این نکته شنوا کنون، از شاعر فرزانه
«دندانه هر قصری، پندی دهدت نو نو
بشنوز بین دندان، پند سر دندانه»
با جیب من مضطر، این قدر ترو هی ور
بر کله تاس ما، معنی ندهد شانه!
یارانه به ما دادی، این قاعده خوبی است
حیف است که برگردی، زین شیوه شاهانه
من منتظر واریز، واریز و کمی سرریز
بنشین کج و برگو راست، قربان تو، ها؟ یا نه؟

الهی!
در این روزها که بازار دلار و طلا، سکه است، آرزوهای کوچک ما را تأمین اعتبار کن. آرزوهای بزرگ را خودمان در خواب برآورده می کنیم.

پنجشنبه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیرزا موسوی مهر
سر دبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضامن: ارزنگ حائمی
دبیر پلخمون: مجتبی نفعی راد
پیماسک: ۳۰۰۷۲۸۹۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

چطور ارزان تر خوب شویم؟

با اعلام تصویب افزایش ۴۶ درصدی تعرفه های پزشکی در سال ۱۴۰۳ کم کم باید به فکر استفاده از راهکارهای درمانی جایگزین باشیم.



برخی راهکارهای سنتی اصالتاً پیدا نمی شود



تهیه داروهای گیاهی هم دردسرهای خودش را دارد



گاهی هزینه درمان های سنتی بیشتر از افزایش تعرفه درمی آید



البته هستند پزشکانی که بدون گرفتن ویزیت هم بیمار را ویزیت می کنند



اما همیشه این بزرگ ترها هستند که برای هر مریضی ای یک راه حل دارند



گاهی هم بیماران رویه های پزشکی را دور می زنند

وانه! چیزی نشده که به کم زرد چوبه و زرده تخم مرغ بمال به پات، خوب می شه.